

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Reports

گزارشها

بهرام رحمانی

۱۸ مارچ ۲۰۲۲

هفتاد و چهارمین جلسه دادگاه حمید نوری در ستهلم!

هفتاد و چهارمین جلسه دادگاه حمید نوری، متهم به مشارکت در اعدام‌های تابستان ۱۳۶۷، روز پنج‌شنبه بیست و ششم اسفند ۱۴۰۰ - هفدهم مارس ۲۰۲۲، با شهادت روزبه پارسی و یان یرپه به‌عنوان «کارشناسان» این پرونده در ستهلم - سویدن برگزار شد.

گفته می‌شود روزبه پارسی سرپرست برنامه خاورمیانه و آفریقای شمالی موسسه امور بین‌الملل سویدن است. نام روزبه پارسی در کیفرخواست دادگاه نوری درج شده است. حمید نوری نیز در قسمت از جلسات دفاع خود چند بار با اشاره به مواضع این کارشناس، از او به‌عنوان «پروفسور» یاد کرده است.

روزبه پارسی خود را کارشناس تاریخ ایران معرفی کرد و گفت که مدت چهار سال برای اتحادیه اروپا کار کرده است و از دهه نود تا به‌حال در زمینه ایران تحقیق می‌کند.

سؤالات اعضای دادگاه از روزبه پارسی روی جنگ ایران و عراق، ماهیت سازمان مجاهدین خلق، و دلایل مخالفت حکومت ایران با این سازمان، عملیات مرصاد یا فروغ جاویدان و نقش حکومت عراق در آن متمرکز بود.

از دیگر موارد مطرح شده، اصالت و علت صدور حکم یا فتوا از سوی آیت‌الله خمینی برای اعدام زندانیان سیاسی مخالف و بررسی اصالت فتوای دوم بود.

روزبه پارسی، ابتدا در مورد سیستم سیاسی جمهوری اسلامی توضیح داد. او گفت حکومت ایران ضمن رهبری جامعه با نگرش اسلامی، کشف جدیدی انجام داد و تلاش کرد نقش‌ها و ایده‌های مذهبی خاص خود را به صورتی مدرن به اجرا درآورد. او در توضیح ماهیت و نقش ولایت فقیه گفت نوعی قیمومیت است که عالمی عهده دار آن شده و قیم تمام جمعیت و ملت می‌شود. او گفت بدین صورت سیستم ایران به دو قسمت تقسیم می‌شود که در یک طرف آن ولی فقیه به تنهایی قرار دارد.

روزبه پارسی در مورد نقش آیت‌الله خمینی گفت پس از انقلاب، خمینی مرجع یک قدرت زمینی شد و از لحاظ سیاسی باقی رقبای خود را کنار زد و آن‌ها را کوچک کرد. پارسی انقلاب سال ۵۷ ایران را یک «انقلاب شاعرانه عاشقانه» توصیف کرد. او گفت قصد انقلابیون جایگزین کردن یک سیستم خوب به جای یک سیستم بد بود، اما گفته نمی‌شد که این

اتفاق قرار است چگونه رخ دهد. او گفت تحول دیگر پس از انقلاب در ارتباط با زنان بود که آن‌ها را «ناقص‌العقل» خواندند.

پارسی در پاسخ به نقش کمیته‌های انقلاب در کنترل جامعه، آن‌ها را نزدیکترین نهاد به بدنه جامعه ایران خواند که با حضور در هر منطقه و محله‌ای، در را برای دست درازی‌های مختلف باز کرده بودند. او گفت مثل تمام سیستم‌های انقلابی تلاش این بود که سیستم قضایی و سیاسی را به دست بگیرند و دیسپلین ایجاد کنند. تلاش شد تا سیستمی ایجاد شود که دکترین را به بچه‌ها یاد بدهد، معلم‌ها اخراج شوند، خط حکومت به آنان نشان داده شود و از سوی دیگر صحنه عمومی به دست گرفته شود. تلاش شد تا عملاً وارد خانه تمامی مردم شوند و آنجا حکومت کنند.

پارسی در تحلیل سازمان مجاهدین خلق به عنوان یکی از گروه‌های سیاسی متفاوت و مخالف با حکومت جمهوری اسلامی گفت پدیده عجیبی از اسلام‌گرایی و سوسیالیسم است که فازهای مختلفی را در ایدئولوژی خود طی کرده است. آن‌ها به‌شکلی از «کیش شخصیت» تبدیل شدند که خیلی با اسلام‌گرایان فرق داشتند، اما در اساس با فقها در تشکیل دولت اسلامی هم‌نظر بودند.

پارسی کمبود و نبود آموزش مذهبی میان اعضای سازمان مجاهدین را در کل بزرگترین اختلاف میان اسلام‌گرایان با این سازمان ذکر کرد.

بخش‌هایی از سخنان و تحلیل روزبه پارسی در مورد علت حضور و تعداد مجاهدین در عراق، نوع ارتباط سازمان مجاهدین با عراق، موضوع کمک عراق به سازمان در عملیات فروغ جاویدان مورد انتقاد کنت لوئیس قرار گرفت. کنت لوئیس، وکیل مشاور برخی از شاکیان عضو سازمان مجاهدین خلق است که از آن اعدام‌ها جان بدر برده‌اند. ارسى پیش‌تر تحلیل کرده بود که رجوی برای فعالیت بیشتر به عراق رفت. عملیات فروغ جاویدان از درون خاک عراق انجام شد و باید ارتش عراق -مخصوصاً نیروی هوایی آن- سازمان مجاهدین را کمک کرده باشد. پارسی درباره نقش گروه‌های چپ ... و نگاه خمینی به آن‌ها نیز توضیحاتی داد. او گفت خمینی تا قبل از این که رهبری او را زیر ببرند، به آن‌ها فرصت داد، اما بعداً آنان را تحمل نکرد و کنارشان زد. او خمینی را فردی «انعطاف‌ناپذیر» خواند.

پارسی در مورد اصالت فتوا یا حکم خمینی گفت تردیدی در درستی آن وجود ندارد و واضح است که آن را خمینی نوشته است. او معتقد است که فتوا در واقع واکنش به عملیات نظامی مرصاد یا فروغ جاویدان بود.

روزبه پارسی در مورد فتوای دوم گفت برداشتش این است که حکم دوم وجود داشته و مربوط به «مرتد»ها بوده است. روزبه پارسی ضمن تایید اعدام‌های تابستان ۱۳۶۷ گفت تفاوت این اعدام‌ها در این بود که این افراد (زندانیان اعدام شده) محکومیت و حبس خود را گذرانده بودند و قرار بود آزاد شوند. اما آن‌ها را بدون این که دوباره جرمی مرتکب شده باشند، بار دیگر قضاوت کردند.

شاهد دوم این جلسه دادگاه، یان برپه، یکی دیگر از کارشناسان این پرونده بود. این کارشناس توضیح داد که پروفیسور علم شناخت اسلام است و شش سال در این زمینه کار کرده است. او گفت علاقه خاصی به زبان مذهبی در محافل سیاسی داشته و کتاب‌های درسی نوشته که هم اینک در مدارس تدریس می‌شوند. این شاهد به توضیح سیستم قضایی مذهبی در ایران پرداخت.

نکته مهم در مورد این شاهد این است که کتاب خاطراتی از وقایع سال ۱۳۶۷ دارد. او همان زمان از طریق منابع ایرانی - عمدتاً رسانه‌های گروهی بین‌المللی - از صدور فتوا و وقوع اعدام‌ها مطلع شد و آن‌ها را پی‌گیری کرد. شاهد گفت در همان زمان گزارش‌های روزانه را مطالعه و یادداشت می‌کرد، اما زمان دقیق آن را به‌خاطر نیاورد.

یان یرپه، صحت صدور فرمان اعدام زندانیان از سوی خمینی تأیید کرد و آن را «فتوایی» خواند که دو روز بعد از عملیات مرصاد یا فروغ جاویدان صادر شد. او از آیت‌الله منتظری و چند آیت‌الله دیگر به‌عنوان مخالفین این فتوا نام برد. او گفت حتی چندین تن از طرفداران منتظری و مخالفین این اقدام اعدام شدند. او گفت فتوای خمینی باعث اعدام بسیاری از انسان‌ها شد.

او گفت نمی‌تواند تضمینی بدهد که فتوا دست‌خط خود خمینی باشد، اما اگر نبود چنین تاثیری نمی‌گذاشت و چنین اتفاقاتی نمی‌افتاد.

از یان یرپه در مورد صحت فتوای دوم، سؤال شد. او گفت در اسناد و کتاب‌هایش نگاه کرده اما به‌چیزی در مورد آن برخورد کرده است.

یان یرپه، درباره ماهیت فتوا توضیح داد که فرمانی از سوی یک رهبر «در زمان غیبت امام دوازدهم شیعیان» است که براساس ماده پنجم قانون اساسی ایران، صدور آن قانونی است. شاهد گفت از نظر دینی «فتوا» از احکام صادر شده یک دادگاه، قوی‌تر و جدی‌تر است. او گفت فتوا دهنده، نماینده امام غایب است.

یان یرپه مواردی مانند موفقیت‌های زیاد عراق در جنگ، ترس ایران از کاربرد بیش‌تر گازهای شیمیایی از سوی عراق بعد از حلبچه، و مسلح بودن سازمان مجاهدین علیه حکومت را به‌عنوان برخی از دلایل صدور فتوا از سوی خمینی ذکر کرد. او گفت: «این‌جا بحث دشمن ایدئولوژیک مطرح است و حکومت سعی می‌کند دشمنان ایدئولوژیکش را از بین ببرد.»

او گفت سازمان مجاهدین خلق خطر جدی برای حکومت ایران بود. این کارشناس در مورد روابط مجاهدین با عراق تحلیل کرد که سازمان مجاهدین خلق پایگاه‌هایی را در داخل عراق داشتند و با حکومت عراق متحد شده بودند.

شایان ذکر است که روزبه پارسی، برادر تریتا پارسی رییس سازمان نایاک است که به اعتقاد عموم ایرانیان لابی حکومت اسلامی ایران در آمریکا محسوب می‌شود. روزبه پارسی نیز که به‌قول رادیو فردا به‌مدت چهار سال تحلیل‌گر ارشد موسسه مطالعات بین‌الملل اتحادیه اروپا بوده، مانند برادرش به تبلیغ سیاست‌های جمهوری اسلامی در اروپا مشغول است. روزبه پارسی مرتباً به ایران سفر می‌کند و در کنفرانس‌های گوناگون که توسط حکومت ترتیب داده می‌شود، شرکت می‌کند.

چند سال پیش دکتر کاظم موسوی، نماینده حزب سبزهای ایران در آلمان طی گزارشی که در ادامه مطلب مشاهده می‌کنید با عنوان لابی ایران در اروپا از فعالیت روزبه پارسی و محمدعلی شعبانی پرده برداشت. این دو تن در اطاق‌های فکری و از طریق کنفرانس‌ها و سخنرانی مختلف، به سفیدسازی چهره حکومت اسلامی ایران در اروپا می‌پردازند و از جمله مستمرا در پی اثبات غیرنظامی بودن برنامه هسته‌ای حکومت هستند.

گزارش دکتر موسوی:

لابی جمهوری اسلامی در اروپا

۱۷ اسفند ۱۳۹۱

دکتر کاظم موسوی - برلین ۶ مارچ ۲۰۱۳

روزبه پارسی که برادر تریتا پارسی است در سفر اخیر خود به تهران با مسئولان کنونی و سابق رژیم دیدار کرد و پس از سخنرانی در یکی از موسسات تحقیقی رژیم به اروپا بازگشت تا در کنار دهها کارشناس دیگری که به کمک رژیم و محافل مآشاهات در نهادهای اروپائی جای گرفته اند فعالیت کند. یکی از آنها محمد علی شعبانی است.

روزبه پارسی، برادر تریتا پارسی رئیس سازمان لابی نایاک، پژوهشگر رسمی اتحادیه اروپا و ساکن پاریس است. روزبه پارسی در نیمه ماه ژانویه به ایران رفت و با عدهای از مسئولان کنونی و سابق جمهوری اسلامی دیدار داشت. او سپس در مرکز پژوهشهای خاورمیانه در تهران که وابسته به رژیم است، سخنرانی کرد.

چند هفته بعد، «انستیتوی بینالمللی مطالعات استراتژیک» لندن یک جلسه سخنرانی در باره مسائل ایران برگزار کرد که دو نفر در آنجا سخنرانی کردند. سخنرانان این جلسه روزبه پارسی که بهتازگی از سفر تهران بازگشته بود و محمدعلی شعبانی، سردبیر مجله مطالعات تشخیص مصلحت که ایشان هم در لندن بهعنوان کارشناس مسائل ایران فعالیت می‌کند، بودند.

روزبه پارسی و محمد علی شعبانی دو نمونه از دهها کارشناس و پژوهشگر مسائل ایران در اروپا هستند که با حمایت محافل غربی طرفدار مآشاهات و در همکاری با نهادهای رژیم بهیژه مجمع تشخیص مصلحت و وزارت خارجه، در مشاغل و پستهای مهم در مهمترین نهادهای فکری و رسانه‌ای اروپا جای گرفته‌اند و در جهت حفظ جمهوری اسلامی و لابی می‌کنند. با نگاهی به فعالیت‌های روزبه پارسی و محمد علی شعبانی می‌توان به نحوه کار و نفوذ این افراد در محافل اروپائی و رسانه‌ها آشنا شد.

روزبه پارسی در سال ۲۰۰۹ از سویدن به پاریس آمد و با حمایت محافل طرفدار دوستی با رژیم ایران، به استخدام انستیتوی مطالعات امنیتی اتحادیه اروپا در آمد و مدارج ترقی را یک‌شبه پیمود و بهعنوان کارشناس مسائل ایران در رسانه‌های مهم و کمیسیون‌های اتحادیه اروپا مورد مشورت قرار گرفت.

دهها مصاحبه و گزارش از وی در رسانه‌های مهم و نهادهای تصمیم‌گیری اتحادیه اروپا چاپ می‌شوند یک نمونه از آن، گزارشی است که وی با کمک فریده فرهی عضو هیات مشاوران نایاک تهیه کرد تا مورد استفاده اتحادیه اروپا قرار گیرد.

به موازات فعالیت در اروپا، روزبه پارسی با حمایت نایاک وارد سیستم سیاسی آمریکا هم شد. موسسه ویلسون که بخش خاورمیانه آن تحت مدیریت هاله اسفندیاری است و به خانه مآشاهات تبدیل شده است از وی برای سخنرانی دعوت کرد و راه رسانه‌های مهم به‌رووی وی باز شد.

دهها مقاله از وی در رسانه‌های مهم آمریکا منجمله فارین پالیسی چاپ شد. روزبه برخی از این مقالات را به‌طور مشترک با تریتا پارسی نوشته است تا به‌خاطر روابط تنگاتنگ برادرش با محافل مآشاهات انتشار آنها آسان‌تر صورت پذیرد.

از طرف دیگر، روزبه پارسی در جلسات نایاک در آمریکا نیز شرکت کرده و به‌نفع لابی رژیم سخنرانی و فعالیت می‌کند.

همین‌طور که مشاهده می‌شود، روزبه پارسی به کمک شبکه نایاک در آمریکا و محافل اروپائی طرفدار نزدیکی به رژیم ایران، به‌صورت یک کارشناس ارشد در آمده و در همه مصاحبه‌ها و فعالیت‌های خود از دوستی و سازش با رژیم جمهوری اسلامی دفاع می‌کند.

همین سناریو یعنی رشد و ترقی به کمک محافل و لابی طرفدار رژیم را می‌توان در مورد محمدعلی شعبانی مشاهده کرد. وی سردبیر مجله انگلیسی زبان مطالعات استراتژیک وابسته به مجمع تشخیص مصلحت نظام است. ایشان در

دانشگاه لندن در حال گذراندن دوره دکترا می‌باشد. جالب این‌جاست که در سایت دانشگاه نوشته شده که تز دکترای وی در همکاری با مجمع تشخیص مصلحت است.

استاد راهنمای وی برای گرفتن دکترا، آرشین ادیب مقدم است. وی یکی از کسانی است که تحت نام مبارزه با امپریالیسم، ضمن همکاری با سازمان کاسمی، به‌طور آشکار به‌نفع رژیم ایران فعالیت می‌کند.

طی یک سال گذشته، شبکه نایاک در آمریکا به کمک شعبانی آمده است و راه رسانه‌های مهم آمریکا را بروی وی باز کرده است. جوانی که هنوز دکترا نگرفته است به کمک تریتا پارسی و شبکه لابی رژیم ایران، مدارج ترقی را یک‌باره طی کرد و ده‌ها مقاله از وی در رسانه‌های مهم آمریکا چاپ شده اند که می‌توان به مقاله مشترک وی با حسین موسویان در نیویورک تایمز اشاره کرد.

محمدعلی شعبانی به‌طور مرتب در دو وب‌سایت خبری آمریکا یعنی ال مونیتر و لوب لوگ مقاله می‌نویسد و از رژیم ایران دفاع می‌کند. سایت لوب لاگ خودش را ترقی‌خواه و ضد جنگ می‌خواند ولی تمامی مقالات مربوط به ایران در این سایت توسط شبکه نایاک و امثال شعبانی و حسین موسویان نوشته می‌شوند و در تمامی آن‌ها به‌طور آشکار از رژیم ایران دفاع می‌شوند.

فعالیت‌های روزبه پارسی و محمدعلی شعبانی که هم با نهادهای رژیم همکاری می‌کنند و هم به‌عنوان کارشناس در اروپا به‌نفع رژیم لابی می‌کنند، زنگ خطری برای جامعه ایرانیان در اروپاست. با درس‌گیری از هم‌وطنان مقیم آمریکا که به مقابله با سازمان نایاک برخاسته‌اند، ما نیز بایستی در اروپا به مقابله با شبکه نفوذی رژیم ایران برخیزیم و از کمکرسانی آن‌ها به جنایت‌کاران حاکم بر کشورمان جلوگیری کنیم.

واقعا باید از رییس دادگاه حمید نوری متهم به جنایت علیه بشریت سؤال کرد که چگونه در میان این همه کارشناس ایرانی در سویدن و اروپا، تنها روزبه پارسی و به‌گفته حمید نوری «پروفسور» روزبه پارسی را انتخاب کرده‌اند که در این دادگاه نیز همه سخنان و مواضعش آشکارا به‌نفع حکومت جنایت‌کار اسلامی ایران و بر علیه سازمان مجاهدین خلق ایران و سازمان‌های چپ است؟

جلسه بعدی دادگاه فردا جمعه بیست و هفتم اسفند ۱۴۰۰ - هجدهم مارس ۲۰۲۲ با شهادت «عبدالرضا شهاب شکوهی» در استکهلم برگزار خواهد شد.